



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۱۲۱۰
چاپ: روز تاب/ جاده مخصوص کرج، نخ زرین شماره ۴
تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۱ اذان مغرب ۲۰:۱۸ اذان صبح هر د ۴:۲۷ طلوع آفتاب ۶:۰۲

شتر

روزنامه

سه‌شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۰ - جمادی‌الثانی ۱۴۳۲ - ۱۰ می ۲۰۱۱ - سال هشتم - شماره پیاپی ۱۲۴۲ - شماره ۲۱۸ دوره جدید - ۲۰۰ صفحه

بهانه

مولانا و مفهوم «من» سالروز گذشت جلال‌الدین محمدبلخی



امیر حسین ماحوزی

■ خورشید وجود مولانا جلال‌الدین محمدبلخی در سال ۶۰۴ خراسان طلوع کرد و در سال ۶۷۲ در قونیه از دیدگاه پنهان شدد، اما انوار در خشنانش هنوز مردگان را جان می‌بخشد و خامسان را پخته می‌سازد و تاریکان را روشنائی می‌فزاید. مولانا در سال ۶۴۲ و پس از ملاقات شمس تبریزی، درگیر عشقی سوزاننده شد که هستی او را از او برگرفت و او را در جهان دیگر متولد ساخت. عشق پس از ویرانگری گنجی به او بخشید که دوران و نزدیکان را هنوز مستغنی می‌سازد. کلیات شمس و مثنوی معنوی او که بالغ بر ۶۰ هزار بیت را در برمی‌گیرد، بخشی از این گنج بی‌پایان است، اما حاصل این عشق آتشین به گفته خود او یک سخن بیش نبود و آن این است که «تأملیری نرهی». مولانا در تمامی مثنوی خود به مردن از یک من و رسیدن به منی آرمانی اشاره می‌کند. در باور او انسان‌ها اسیر تصویر خویشند، اسیر عکس حقیقت خود. تنها در پی سایه‌هایی دروغین که تنها شباهتی ظاهری به من اصلی آنها دارد خوشتن را نابود می‌سازد: مرغ بر بالا پرن و سایه‌اش می‌رود بر خاک پرن مرغ‌وش ابلهی صیاد آن سایه شود می‌دود چندان که بی‌مایه شود ترکش عمرش تهی شب عمر رفت از دودین در شکار سایه، تفت در جایی دیگر در داستان طوطی و بازگان که طوطی رمز زروح و جان انسانی است، او طوطی روح را در درون می‌بیند و مارا سرگشته عکس این طوطی. ما فریفته عکس این طوطی درون می‌شویم و این عکس، شسادی و حقایق را از زندگی ما دور می‌کند:

اندرون توست آن طوطی نهان

عکس او را دیده تو بر این و آن

می‌برد شادیت را تو شاد از او

می‌پذیری ظلم را چون داد از او

مولانا در داستان‌های بسیاری به ما هشدار می‌دهد که تصاویر دروغین نباید جای حقیقت را بگیرند. پیر در داستان پادشاه و کنیزک سیمای حقیقت است و نباید با وزیر پهود که خود را به شکل پیر مسیحا نشان می‌دهد، اشتباه گرفته شود. این پیر همان من برتر و حقیقی ماست. تصویر آرمانی هر انسان و آن وزیر پهود سیمای نفس و عقل جزئی را نشان می‌دهد که ظاهری صلاح دارد و باطنی نادرست. در شکل اسطوره‌ای پیر درونی چون آدم است و عقل ظاهر ساز درونی چون ابلیس.

مولانا در داستانی در دفتر چهارم که در آن دیو به جای سلیمان را تخت می‌نشیند، به ما هشدار می‌دهد که نباید فریفته ظاهر شد: دیو در درون ماست و چهره سلیمان را تقلید می‌کند، باید رفت و او را به سخن کشید و در عمل او را دید و حقیقت او را دریافت. از این رو او ما را به گذر از شباهت‌های ظاهری و دیدی باطنی دعوت می‌کند:

آن خواجه خوش‌لقاچه دارد

آینه‌اش از صفاچه دارد

هر چند کز انبیا بلافید

از صفوت انبیا چه دارد

اندر سخنش کشان و بوگیر

کز بوی می‌لقاچه دارد

مولانا که در زندگی خود با عشق توان آن را یافته است که خود را بشکند و از دیو خودخواهی خوش بیرون آید، می‌داند که تنها راه رستن از این من دروغین روبه‌رو شدن با ضعف و نیستی‌های خویش است.

او در بزرگ را تجربه می‌کند و از آن می‌هراسد. درد بزرگ روبه‌رو شدن با نیستی این تصویر دروغین است. با شکسته شدن آن گنج واقعی و گوهر یگانگی آشکار می‌شود:

گفتم به نگار من کز جور مرا مشکن

گفتا به صدف مانی کو تو به شکم دارد

تانشکم ای شیدان در نشود پیدا

آن در بت من باشد باشکل بتان دارد

او در نهایت قدرت خویش را می‌یابد، توانی که برخلاف من دروغین نه برای بودن یا نیاز به تأیید و تکذیب غیر دارد نه نرجشی از نقد می‌یابد.

او سالیان قدسرت و پس از چنین مبارزه سرسختانه‌ای جوان بیدادگر را به سوی صلح می‌خواند:

تو بگو همه به جنگند و صلح من چه آید

تو یکی نه‌ای سزای تو چراغ خود پرافروز

■ **استاد دانشگاه و پژوهشگر ادبیات**

دریچه

افغانستان قربانی شد تا شوروی فروپاشد



فریدون مجلسی

من در همین روزهای اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۷ چند روزی برای سفری کاری به کابل رفته بودم. همه چیز از حضور و نفوذ بیش از اندازه روس‌ها در افغانستان حکایت داشت. سردار محمد داود، صدر اعظم اسبق، چند سال پیشتر علیه عمو زادش ظاهر شاه کودتا کرده و اکنون رئیس جمهور بود. در فردگاه بر پرده‌ای یا به قول امروزی‌ها روی بلبورد بزرگی به خط جلا نوشته بودند: «به فضای جمهوریت خوش آمدید!» از آن شعارهای صدتاپک غازی بی‌معنی‌آزمایی بود که داودخان خودش از نفوذ روس‌ها بی‌مناک شده و دنبال راه خروج و نجات بود. راهی که آن را نیافت و جانش را بر سر آن جست‌وجو نهاد. در فوریه ۱۹۷۹، یعنی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی در ایران رژیم پیشین را سرنگون کرد و در همدستی حفیظ‌الله امین و ببرک کارمل، رژیم پیشین را که می‌توان آن را جمهوری سلطنتی افغانستان نامید، سرنگون کردند. ظرف ۱۰ سال، این سه نفر یکی پس از دیگری، رئیس جمهور دولت اینک کمونیستی افغانستان شدند و جان بر سر آن نهادند. دنیای جنگ سرد به گرم‌ترین روزهای تسویه حساب رسیده بود. جنگ سرد میان شوروی توسعه‌طلب و خواهان استیلار جهان از یک‌سو و جهان غرب رقیب به رهبری آمریکا از سوی دیگر، در جنگی گرم، اما خارج از سرزمین‌های خودشان مشغول بود. برخی جنگ ویتنام را شکست آمریکایی‌پندارند، این قضاوت قدری عجولانه‌است. آری من خود از صفحه تلویزیون شاهد فرار آخرین بارمندانگان آمریکایی از پشت با سفارت آن کشور در سائپگون بودم، اما شکست‌خورده واقعی در این جنگ، شوروی بود. ویتنام قربانی و میدان جنگ این‌دو غول بود. جنگی که روزانه میلیون‌ها دلا را برای دو طرف هزینه داشت. آمریکایا عهده‌ان بر می‌آمد و شاید به سامانه اقتصادی و تولیدات نظامی آن کشور جنری نیز می‌داد، اما شوروی از عهده

نقد

وقایع نگاری تاریخی رنج

نگاهی به «دیوار نوشت‌ها»



بهار رضایی

تاریخ، پژوهشی مستند است بر رخدادها و رفتارهای آدمی از گذشته‌های دور. تاریخ‌نگاران با رویکرد تبارشناسی، وقایع و اتفاقات را در سده‌های مختلف زیر و رو می‌کنند، به آن سندیت می‌دهند و برای آیندگان، محفوظ می‌دارند. اینکه تاریخ‌نگاری با پشتوانه و دانش تاریخی‌اش به کشف و بازنمایی لحظه‌های شهودی و درون-ذهنی‌اش مشغول شود، حکایت «دیوار نوشت‌ها»ی دکتر پرویز رجبی است. در این کتاب که چندان نمی‌توان دریافت که با مورخی شاعر روبه‌رو هستیم یا با شاعری تاریخ‌نگار! و مرز میان این دو مقوله مجزا را مولف کتاب «دیوار نوشت‌ها» برای ما ملمغمای می‌کند از گشت‌وگذارهایش به وقایع و تاریخ ذهنی‌اش: هزاره‌های گمشده را نوشتم/ سده‌های گمشده را در دست تألیف دارم/ اگر که ده‌ها و روزهای گمشده را می‌نوشتم/ چه کنم با حجم انبوه لحظه‌های

گمشده؟ (ص ۳۷) استفاده و به کارگیری مورخ- شاعر مجموعه «دیوار نوشت‌ها»: از عناصر طبیعی و بسامد بالایی این عناصر در متن شعر هاسبب شده‌او شاعری باشد که به ثبت لحظه‌هایی از طبیعت مشغول شود که در آنها دامنه‌ای از رخدادهای تاریخی نمایان باشد و اغلب سعی شاعر بر این بوده است که این وقایع را با حدیث نفس گویی‌های خود، پوششی انفرادی دهد و آنچه می‌نویسد، رنگی از اندوه درونی داشته باشد. ۳۰ ثانیه غافل خواهم ماند…! فکر نخواهم کرد/ به فریاد ترس آبشار /به کسالت جاده‌ای متروک /به شمشیر چنگیز خان /به عشق لیلی /و مجنون دیوانه / ۳۰ ثانیه نفسی



به بهانه پارکینگ مناسب زندان اوین

حداد عادل: اوین محل دایمی نمایشگاه کتاب شود

سینما پرس- رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی زندان اوین را به عنوان مکانی برای نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران پیشنهاد داد. حداد عادل، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در مورد مکان دایمی برای نمایشگاه کتاب تهران، گفت: هر چه دولت تصمیم بگیرد، مجلس تصویب می‌کند اما نمایشگاه باید در مکانی باشد که دسترسی به آن آسان و رفت و آمد برای همگان راحت تر صورت گیرد. موضوع



سه‌شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۰ - جمادی‌الثانی ۱۴۳۲ - ۱۰ می ۲۰۱۱ - سال هشتم - شماره پیاپی ۱۲۴۲ - شماره ۲۱۸ دوره جدید - ۲۰۰ صفحه

شعرهای سیدعلی صالحی در نمایشگاه کتاب تهران

سیدعلی صالحی که هنوز با تبعات معضل و بیماری قلب در گیر است، امسال با آخرین مجموعه‌های شعر خود در نمایشگاه حاضر خواهد بود. صالحی گفت: آخرین دفترهای شعرم را موسسه انتشاراتی نگاه در نمایشگاه عرضه خواهد کرد؛ چاپ مجدد «مجموعه اشعار دو جلدی»، «سمفونی سپیددم»، «انیس آخر همین فته می‌آید» و «مانباید بمیریم، رویاها بی‌مادر می‌شوند». دفتر آخر در سه‌هزار نسخه حدود ۴۰ روز مانده به نوروز ۹۰ در بازار کتاب عرضه شد.

بی‌ربطی‌ها

بن لادن مهم نیست ال کلاسیکو را چسپ



سروش فرهادیان

■ هنوز دو ساعتی تا یک و نیم صبح مانده که داور سوتش را به صدا در می‌آورد و چهارمین ال کلاسیکو در یک ماه گذشته شروع می‌شود. نیمه نخست تمام می‌شود و تویی از خط دروازه‌ها عبور نمی‌کند. چون گل مهم است پس عبور نکردن تسوپ از خط دروازه مهم است. «مورینیو» هم نیست؛ نه اینکه نباشد روی نیمکت ژال و آن گونه که عادل فر دوسی پور می‌گوید در استادیوم نیست. این مهم است. بالاخره رو به جز اینکه مربی رئال باشد، آقای خاص فوتبال اروپا و جهان است و حتی از این هم مهم‌تر، گران‌قیمت‌ترین مربی دنیاست. پس مهم است که مورینیو جلو دور بین نیست. بازی در نیو کمپ بر گزار می‌شود؛ این مهم است، چون نیو کمپ معروف‌ترین و پر هیجان‌ترین استادیوم دنیاست، پس مهم است که بازی در نیو کمپ انجام می‌شود. باران هم شرشر می‌بارد؛ این هم مهم است، چون روی حرکت بازیکنان روی زمین تأثیر می‌گذارد. رئال که خیلی روی زمین کاری‌از پیش نمی‌برد اما برای بارسا مهم است. شرشر باران برای «مسی» که خودش هم مهم است، مهم است. «اینستا» هم به بازی رسیده و بعد از هفته‌ها مصدومیت پا به توپ شده؛ این خیلی مهم است، چون در نبود او «ژاوی» دچار مشکل می‌شود و اگر ژاوی دچار مشکل شود توپ خوب به گردش در نمی‌آید و بارسا به چشم نوازی همیشه بازی نمی‌کند. گل هم زده می‌شود و این گل‌ها مهم هستند؛ چون نتیجه را تعیین می‌کنند. «کیتا» هم اواخر مسابقه به بازی می‌آید و این مهم است؛ چون سر طران داشته و بمباری‌اش را شکست داده و در این مدت همه از او حمایت کرده‌اند و بارسا جایش را به بازیکن دیگری نداده است. سوت پایان بازی به صدا در می‌آید و بارسا به مرحله نهایی می‌رود؛ این مهم است، چون بارسا به فینال جام باشگاه‌های اروپا راه یافته‌است. ساعت به یک‌ونیم رسیده و کسانکی که خواب را به چشمان خود حرام کرده‌اند، یک خبر خوب از زبان عادل فر دوسی پور می‌شنوند: نمایش اسپانیایی تمام نشده و ال کلاسیکو پنجم هم در راه است. بارسا تقریباً قهرمانی‌اش در لالیگا حتمی شده‌و رئال هم به قهرمانی جام حذفی رسیده، در نتیجه سوپر کاپ اسپانیا بین این دو تیم بر گزار می‌شود. اینکه یک ال کلاسیکو دیگر هم می‌بینیم و جمع ال کلاسیکوها به پنج می‌رسد، مهم است. ساعت دیگر دقیقاً یک‌ونیم است و با قاطعیت می‌توان گفت ۲۴ ساعت از آغاز عملیات آمریکایی‌ها برای کشتن «بن لادن» گذشته؛ البته این مهم نیست؛ یعنی مهم بود اما «دیگر» مهم نیست. بن لادن حالا مرده و به دریا انداخته شده‌ است. خدا را شکر که فردوسی پور یاد آوری کرد یک ال کلاسیکو دیگر هم تا چند وقت آینده می‌بینیم؛ این مهم است. حالا می‌توان خوشحال خوابید.

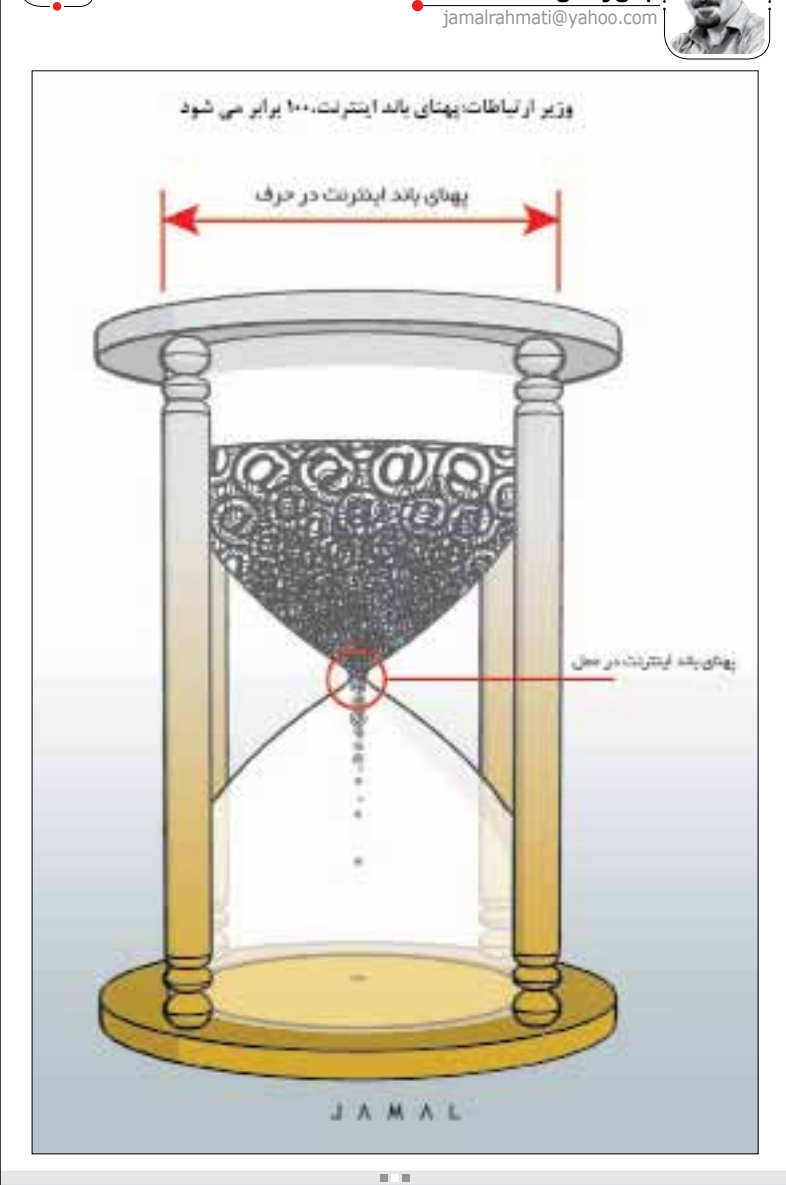
خبر

نخست‌های سرای روزنامه‌نگاران ایران در نمایشگاه کتاب

■ سرای روزنامه‌نگاران ایران در بیست‌و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، نخست‌های تخصصی در زمینه رسانه و کتاب را در محل این سرا واقع در طبقه دوم شبستیان (بخش بین الملل) برگزار می‌کند. این نخست‌ها تا پایان نمایشگاه ادامه خواهد داشت. در زمان باقی مانده، هشت نشست تخصصی در دو نوبت صبح (ساعت ۱۱) و عصر (ساعت ۱۴) در این سرا برگزار می‌شود. سه‌شنبه ۱۲۰ اردیبهشت: «عشق مطبوعات در ایجاد اعتماد کتاب خوانی» با حضور آقایان ساسان والی‌زاده، محمد رضا سنکری و جواد محقق (۱۱ تا ۱۲:۳۰)؛ ونشست «یستگاه مشترک توزیع کتاب و مطبوعات» با حضور سیدناهر جزایری، شبناملی بهرام‌پور، محمد رضا محسنی، سیدعلی کاظمی خوانساز و بهروز قزلباش (۱۴ تا ۱۵:۳۰)؛ چهارشنبه ۱۲۱ اردیبهشت: «سرای روزنامه‌نگاران ایران: اهداف و برنامه‌ها» با حضور آقایان دکتر محمودرضا اکرامی‌فر، دکتر امیر محبیان و علی اکبر کسائیان (۱۱ تا ۱۲:۳۰)؛ و «نشست چرایی و چگونگی تدوین تاریخ شفاهی مطبوعات» با حضور سیدفرید قاسمی، خسرو معتمد و مهدی کلموس (۱۴ تا ۱۵:۳۰)؛ پنجشنبه ۱۲۲ اردیبهشت: «اصول حرفه‌ای خبرنگاری و کتاب» با حضور آقایان دکتر رضا نفیعت‌السادات، ابراهیم زاهدی مطلق و غلامرضا معصومی (ساعت ۱۱ تا ۱۲:۳۰)؛ و «تجربه و تأثیر نشریات تخصصی کتاب صنعت نشر در ایران» با حضور آقایان سیداحسان قاضی‌زاده‌هاشمی، اکبر ابرائی، مجید رضاییان و علی‌القافزار (۱۴ تا ۱۵:۳۰)؛ جمعه ۲۳ اردیبهشت: «جایگاه مطبوعات در کتابخانه‌های ایران» با حضور دکتر منصور واعظی، امیرمسعود شهرام‌نیا، محمداقبر آدوسوی و یوسف یعقوبی‌فر (۱۴ تا ۱۵:۳۰)؛ شنبه ۲۴ اردیبهشت: «تر جمه آثار نظری روزنامه‌نگاری و نشر آن» با حضور آقایان دکتر مهدی منتظر قائم، دکتر حسین افخمی، دکتر حمیدضیایی‌پرور و دکتر صدیقه‌ببران.

کارتون

خواب



نگاه

مشاهدات یک عکاس از سفر به گرجستان

گرجستان روی نفت نخوابیده است



کامران عدل

سالیان بسیاری است که در حیطه فرهنگ و تمدن عکاسی می‌کنم. به بسیاری از کشورها مسافرت کرده‌ام و از آنها عکس گرفته‌ام. ولی جریان مسافرت من به گرجستان یک طور دیگری شروع شد. من قبلاً با گرجستان آشنایی کمی داشتم. فقط می‌دانستم که الهوردی‌خان، فرمانده ارتش شاه‌عباس گرجی بوده است، از مسجدی هم که در شیراز ساخته بود، عکس گرفتم که در کتاب «یادبساد آن روز گاران یاداباد» چاپ شد. دیگر آنکه وقتی درباره عکاسی در انقلاب مشروطیت کار می‌کردم متوجه شدم که گرج‌های بسیاری در انقلاب ایران شرکت داشتند. دیگر آنکه شنیده بودم که زنان گرجی، بسیار زیبا هستند. یک نکته دیگر هم این بود که استالین و بریا، رئیس سازمان مخوف اطلاعاتی بلشویک‌ها، گرجی بودند. همین حال که در تقلیس هستم، متوجه شدم که نه، موضوع خیلی پیچیده تر است. یک، آنکه گرج‌های بسیار قانونمدار، خیلی دیسپلینه هستند، به طوری که سوئدی‌ها و سویسی‌ها و آلمانی‌ها باید در مقابل آنان لنگ بیندازند. چرا قبل از هر چیز از پیروی از قانون و دیسپلین آنها می‌نویسم؟ برای آنکه ما عکاس‌ها، مخصوصاً خود من، کلاً آدم‌های ایلخی‌ای هستیم. کارمان مجبورمان می‌کند که این طوری باشیم. مترجم و راهنمای دارم به نام میراندا، دختری است که فوق لیسانس ایران شناسی دارد و دانش‌جوی دکتری ایران شناسی است. مثل یک مبعصر بالای سرم است. برای رد شدن از خیابان، باید حتماً از چراغ قرمز‌ها گذر کرد. خوب وقتی من با یک

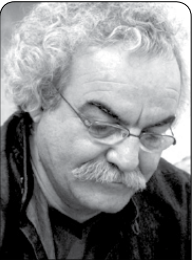
با تنظیم فرامرز پایور

آلبوم «قطعاتی از استادان قدیم ایران»منتشر شد

مهر: آلبوم موسیقی «قطعاتی از استادان قدیم ایران» با تنظیم و سرپرستی فرامرز پایور منتشر شد. در این آلبوم که از سوی موسسه ماهر ارا به شده ۱۷ قطعه از آثار آهنگسازان موسیقی ایرانی گنجانده شده است به این ترتیب که با مقدمه ماهر ساخته درویش خان آغاز می‌شود و با قطعات زرد ملیحه و تمرین دشتی اثر ابوالحسن صبا، رنگ ناز ساخته علی‌نقی وزیری، مقدمه حجاز و پیش در آمد

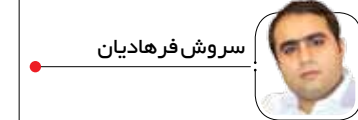
مهر: آلبوم موسیقی «قطعاتی از استادان قدیم

ایران» با تنظیم و سرپرستی فرامرز پایور، پیش در آمد ماهر ساخته حسین هنگ‌آفرین، رنگ شور و پیش در آمد دشتی اثر موسی معروفی، رنگ دشتی حبیب گنجانده شده است به این ترتیب که با مقدمه ماهر ساخته درویش خان آغاز می‌شود و با قطعات زرد ملیحه و تمرین دشتی اثر ابوالحسن صبا، رنگ ناز ساخته علی‌نقی وزیری، مقدمه حجاز و پیش در آمد



بی‌ربطی‌ها

بن لادن مهم نیست ال کلاسیکو را چسپ



سروش فرهادیان

■ هنوز دو ساعتی تا یک و نیم صبح مانده که داور سوتش را به صدا در می‌آورد و چهارمین ال کلاسیکو در یک ماه گذشته شروع می‌شود. نیمه نخست تمام می‌شود و تویی از خط دروازه‌ها عبور نمی‌کند. چون گل مهم است پس عبور نکردن تسوپ از خط دروازه مهم است. «مورینیو» هم نیست؛ نه اینکه نباشد روی نیمکت ژال و آن گونه که عادل فر دوسی پور می‌گوید در استادیوم نیست. این مهم است. بالاخره رو به جز اینکه مربی رئال باشد، آقای خاص فوتبال اروپا و جهان است و حتی از این هم مهم‌تر، گران‌قیمت‌ترین مربی دنیاست. پس مهم است که مورینیو جلو دور بین نیست. بازی در نیو کمپ بر گزار می‌شود؛ این مهم است، چون نیو کمپ معروف‌ترین و پر هیجان‌ترین استادیوم دنیاست، پس مهم است که بازی در نیو کمپ انجام می‌شود. باران هم شرشر می‌بارد؛ این هم مهم است، چون روی حرکت بازیکنان روی زمین تأثیر می‌گذارد. رئال که خیلی روی زمین کاری‌از پیش نمی‌برد اما برای بارسا مهم است. شرشر باران برای «مسی» که خودش هم مهم است، مهم است. «اینستا» هم به بازی رسیده و بعد از هفته‌ها مصدومیت پا به توپ شده؛ این خیلی مهم است، چون سر طران داشته و بمباری‌اش را شکست داده و در این مدت همه از او حمایت کرده‌اند و بارسا جایش را به بازیکن دیگری نداده است. سوت پایان بازی به صدا در می‌آید و بارسا به مرحله نهایی می‌رود؛ این مهم است، چون بارسا به فینال جام باشگاه‌های اروپا راه یافته‌است. ساعت به یک‌ونیم رسیده و کسانکی که خواب را به چشمان خود حرام کرده‌اند، یک خبر خوب از زبان عادل فر دوسی پور می‌شنوند: نمایش اسپانیایی تمام نشده و ال کلاسیکو پنجم هم در راه است. بارسا تقریباً قهرمانی‌اش در لالیگا حتمی شده‌و رئال هم به قهرمانی جام حذفی رسیده، در نتیجه سوپر کاپ اسپانیا بین این دو تیم بر گزار می‌شود. اینکه یک ال کلاسیکو دیگر هم می‌بینیم و جمع ال کلاسیکوها به پنج می‌رسد، مهم است. ساعت دیگر دقیقاً یک‌ونیم است و با قاطعیت می‌توان گفت ۲۴ ساعت از آغاز عملیات آمریکایی‌ها برای کشتن «بن لادن» گذشته؛ البته این مهم نیست؛ یعنی مهم بود اما «دیگر» مهم نیست. بن لادن حالا مرده و به دریا انداخته شده‌ است. خدا را شکر که فردوسی پور یاد آوری کرد یک ال کلاسیکو دیگر هم تا چند وقت آینده می‌بینیم؛ این مهم است. حالا می‌توان خوشحال خوابید.